

زنداد

کتاب قانون ایرانیان

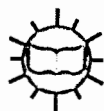
نور علی آریا



وژد یاد

کهن ترین کتاب قانون ایرانیان

احمد نوری (آریاچهر)



انتشارات آریاچهر

اوستا. وندیداد. فارسی

وندیداد: کهن ترین کتاب قانون ایرانیان / پژوهش و نگارش احمد نوری [آریاچهر]
تهران: آرتامیس، ۱۳۹۸.

فهرست نویسی براساس فیبا

ص ۲۲۸

شایک: ۵-۳-۹۵۰۸۴-۶۲۲-۹۷۸

۲۹۵/۸۲

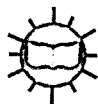
PIR ۱۲۷۴ ۱۳۹۷

شماره ی کتابشناسی ملی: ۵۵۳۱۴۹۲

وفد یاداد

کهن ترین کتاب قانون ایرانیان

احمد نوری [آریاچهر]



انتشارات آرتامیس



انتشارات آرتامیس

وندیداد

کهن ترین کتاب قانون ایرانیان

پژوهش و نگارش: احمد نوری [آریاچهر]

حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی: آرتامیس

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۰۸۴-۳-۵

شمارگان: ۵۰۰

چاپ: دوستان

چاپ اول ۹۸

قیمت: ۴۱۰۰۰ تومان

نشانی: www.artamis-pub.com

تلفن: ۰۲۱-۵۶۳۴۵۱۹۳-۶۶۷۵۸۵۳۷

حق چاپ محفوظ است

فهرست

۹.....	سخن ناشر.....
۱۱.....	پیش گفتار.....
۲۳.....	فرگرد یکم.....
۲۳.....	گفتاری بر فرگرد یکم.....
۲۷.....	فرگرد یکم.....
۳۳.....	فرگرد دوم.....
۳۳.....	گفتاری بر فرگرد دوم.....
۳۷.....	فرگرد دوم.....
۴۷.....	فرگرد سوم.....
۵۵.....	فرگرد چهارم.....
۶۷.....	فرگرد پنجم.....
۷۹.....	فرگرد ششم.....
۸۷.....	فرگرد هفتم.....
۱۰۱.....	فرگرد هشتم.....
۱۲۳.....	فرگرد نهم.....
۱۳۵.....	فرگرد دهم.....
۱۴۱.....	فرگرد یازدهم.....
۱۴۷.....	فرگرد دوازدهم.....
۱۵۳.....	فرگرد سیزدهم.....
۱۶۳.....	فرگرد چهاردهم.....

۱۶۹.....	فرگرد پانزدهم
۱۷۷.....	فرگرد شانزدهم
۱۸۱.....	فرگرد هفدهم
۱۸۵.....	فرگرد هجدهم
۱۹۷.....	فرگرد نوزدهم
۲۰۷.....	فرگرد بیستم
۲۱۱.....	فرگرد بیست و یکم
۲۱۵.....	فرگرد بیست و دوم
۲۱۹.....	نمایه
۲۲۳.....	بهره برده شده

سخن ناشر

در سال ۱۳۹۶ از سوی انتشارات آرتامیس اوستای کامل شامل همه‌ی بخش‌های اوستا به ترجمه و پژوهش احمد نوری [آریاچهر] به چاپ رسید. از آن‌جا که اوستای کامل دارای حجم بالا و گزارش‌ها و نوشته‌های طولانی است و از حوصله‌ی برخی خوانندگان و دوستداران فرهنگ و ادب ایران بیرون است و گاهی پژوهندگان و دانشجویان تنها به بخش‌هایی از اوستا نیاز دارند. از اینرو این انتشارات بر آن شد تا هر بخش از اوستا را نیز به طور جداگانه به چاپ و نشر برساند تا آسان‌تر و بهتر در دست همگان قرار گیرد. پس از بخش گاتها که سروده‌های مینوی زرتشت است، بخش وندیداد که قوانین اجتماعی ایران باستان است، را برگزیدیم. وندیداد نه تنها نوشته‌ای از دوران باستان است بلکه گزارشی از فرهنگ ایران‌زمین است که قوانین و عرف جامعه‌ی آن دوران را آشکار می‌نماید. شاید نوع مجازات آن زمان کمی عقب‌مانده و به دور از فرهنگ جهان امروزی باشد، اما مسئله‌ای که قابل توجه است کارهایی‌ست که گناه و جرم شناخته می‌شده و مغایرت با قوانین اجتماعی آن روزگار بوده است. شرایط امروز دنیا که گروه‌های حقوق بشری، محیط زیست و حقوق حیوانات هر کدام با توجه به عنوان خود برای حفظ شأن انسانی، حقوق زنان، حفظ محیط زیست و حقوق حیوانات و بسیاری دیگر مبارزه

می‌کنند، ملت ایران با داشتن قومیت‌های گوناگون به فرمان شاهان و فرزندگان چنین قوانینی را در جامعه به اجرا می‌گذاشتند که این نشان از تمدن جامعه و پیشرو بودن مردمان آن دوره بوده است.

امید است که آشنایی ما با قوانین آن دوره، کمکی باشد تا بتوانیم جامعه و جهان امروز را بهتر و آبادتر سازیم.

ویدا دهقانیان

پیش‌گفتار

نام وندیداد در اوستا وی دئوداته^۱ آمده و به‌چم داد [قانون] دیوشکن یا قانون ضد دیو است. دئو^۲ در پهلوی و فارسی به‌گونه‌ی دیو آمده و در سنسکریت نیز به‌گونه‌ی دئو^۳ است. در آیین هندوها دیوها [دئوها] خدایان روشنایی هستند. دیو چه در ادبیات هندو و چه در ادبیات ایران به‌چم و مفهوم روشنی است. دیوها در آیین هندو ایزدان نیک و بد و برخی از آن‌ها خدایان شر و بدی و زشتی نیز هستند، اما در فرهنگ ایران از دیوها همواره به‌عنوان یک موجود شرور و اهریمنی نام برده شده است. گاهی در ادبیات ایران دیو به‌مفهوم و چم روشنایی و خرد نیز به‌کار رفته است. این واژه را می‌توان در نام‌هایی چون دیوان، دیوانه، دیوانسالار یافت. در ادبیات ایران مجموع سروده و شعر یک شاعر و اندیشمند را دیوان می‌نامند، مانند دیوان حافظ، اما در مفهوم آیینی و دین‌باوری به‌عنوان موجودی اهریمنی و زشت‌کار و بداندیش است. در تاریخ و فرهنگ ایران بارها ایرانیان با دیوان زشت‌کار جنگیده‌اند و همواره با آن‌ها در نبرد و مخالفت بسر می‌برده‌اند. از این گروه دیوها می‌توان به دیوهای

۱- Vi-daeva-data

۲- Daeva

۳- Daeva

مازندران اشاره کرد. برابر سروده‌های شاهنامه بزرگ‌ترین نبردها را با دیوان مازندران کی کاوس و رستم و تهمورس انجام داده‌اند. در اوستا تهمورس سومین پادشاه پیشدادی دیوها را به بند کرد و آن‌ها را به کار و آموزش واداشت. در واقع دیوان مردمانی بداندیش و بی‌فرهنگ و شرور بودند که مردمان متمدن و شهرنشین و جامعه را مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند. فردوسی در شاهنامه دیو را چنین آورده است:

تومر دیو را مردم بدشناس

کسی کو ندارد ز یزدان سپاس

از دید فرهنگ ایران دیوها مردمی بی‌دین و بداندیش بودند، از این رو آن‌ها دارای داد و قانون و یا قوانینی خشن و زشت و ناپسند بودند که در آن هیچ آمیزش و سازشی با آفرینش دیده نمی‌شد. از گزارش‌های وندیداد برمی‌آید که دیوها دارای قوانینی بودند که برای آفرینش و زیست مردمان زیان‌بار و زشت بوده است. قوانینی که بر علیه سازمان و زندگی شهرنشینی و جامعه اجرا می‌شد. آلوده کردن محیط زیست، کشتن اسب و سگ، ناپاکی و گرایش به پلیدی، سوزاندن مردگان در آتش، دوری از شست‌وشوی و پاکیزگی و قربانی کردن حیوانات و بسیاری دیگر از این دست از قانون‌های دیوان و دیوپرستان بود که ایرانیان به ویژه آیین اشویی و مزدپرستی با آن‌ها مخالف بود.

از این رو مزدپرستان ایران همواره بر ضد این رفتار و فرهنگ نامردمی بودند. کتاب وندیداد یکی از روش‌های مبارزه و دور ساختن قانون دیوها و دیوپرستان از فرهنگ و جامعه ایرانی بود که در هزاره‌های دور به نگارش در آمده است. هم‌چنین در وندیداد به بهداشت و پزشکی اشاره رفته است و یکی از راه‌های مبارزه با دیوان و دیوپرستی را وجود بهداشت و دانش پزشکی می‌داند.

البته وندیداد کتاب و قانونی نبوده که برای تمام دوران ایران باستان مورد بهره قرار گیرد. در برخی گزارش‌ها قانون وندیداد را برای دوره‌ی ماد و هخامنشی، گروهی آن را برای دوره‌ی زرتشت و برخی آن را مربوط به دوره‌ی اشکانی می‌دانند. آنچه که از متن گزارش وندیداد برمی‌آید دانش وندیداد مربوط به دوران آغازین زندگی شهرنشینی ایرانیان است که مغان یا دانشمندان دینی پیش از اشوزرتشت آن را نگاشته و به اجرا درمی‌آوردند، اما پس از ظهور زرتشت به گونه‌ای آن را به آیین مزدیسنا و اشو زرتشت ارتباط دادند و بندهایی به آن اضافه کردند که نام زرتشت و یسناها در آن جای دارد. از این‌رو آغاز هر فرگرد [بخش] آن با پرسش و پاسخ بین زرتشت و اهورامزدا است و بدین‌گونه مغان و یا دادنویسان [قانون‌نویسان] پس از زرتشت خواسته‌اند به آن [وندیداد] مشروعیت و رسمیت ببخشند. هرچند به روشنی مشخص نشده که آیا پس از زرتشت این قوانین نیز اجرا شده و یا اگر می‌شده تا چه دوره‌ای ادامه یافته است؟! بهروری وندیداد [قانون ضد دیو] از داد و قانون‌های ایرانی در هزاره‌های پیش بوده است. شاید خواندن برخی از این قوانین از دید قانونی و تمدن و شهرنشینی برای مردمان امروز نامفهوم و سبک و یا خرافات و خنده‌آور باشد، اما بایستی این قوانین و فرامین فرهنگی را با دوره‌ی خودش مقایسه کرد. دورانی که از روشنایی، بهداشت پزشکی، زندگی مدرن و وسایل پیشرفته و تکنولوژی خبری نبوده و مردمان ایران در شرایط سخت زندگی دوران آغازین شکل‌گیری شهرنشینی با کم‌ترین امکانات زیست بسر می‌بردند.

در دوران تاریخ بسیاری از بزرگان و شاهان و فرمانروایان برای مردمان سرزمین خود قوانینی نوشته و به اجرا گذاشته‌اند که امروزه هیچ کدام از آن‌ها نه خواننده و نوشته و نه اجرا می‌شود، مانند قانون حمورابی پادشاه

بابل^۱ و یا قوانین مصر باستان. با توجه به گزارش وندیداد می‌توان بخش‌هایی از این قوانین را بسیار کهن‌تر از قانون حمورابی دانست. سادگی آن می‌رساند که مردم ایران در ساده‌ترین و آغازی‌ترین سطح شهرنشینی و روستانشینی قرار داشته‌اند و یا در آستانه‌ی شکل‌گیری کشاورزی بسر می‌برده‌اند. داشتن سگ و زمین‌های پاک برای کشاورزی و چاه‌های کشاورزی^۲ گواه بر کهن بودن گزارش‌های وندیداد است. در واقع وندیداد جزو نخستین قوانین شهرنشینی ایرانیان و یا جهانیان است و حتی می‌توان آن را از کهن‌ترین قوانین به شمار آورد.^۳

وندیداد داد و قانونی است که بر پایه فرهنگ ایرانیان باستان و در راستای هنجار هستی و قانون اشا نوشته شده. بزرگداشت و پاسداشت جانداران گیاهان آب آتش و زمین همگی بیانگر فرهنگ غنی و پیشرفته تاریخ کهن مردمان ایران است. وندیداد تنها برای پاسداشت و نکوداشت و نیکی‌های آفرینش داد و آیین نیست. در کتاب داد [قانون] وندیداد به گونه‌ی مردم [انسان] نیز بسیار توجه شده و ارزش گذاشته است. در فرهنگ ایران باستان مردمانی که کوشا و پر تلاش بودند و دارای خانواده و فرزند می‌شدند همواره از ارزش و اهمیت بیشتری برخوردار بودند. تنبلی و

۱- حمورابی پادشاه بابل از سلسله‌ی اول دوره‌ی پادشاهی از ۲۱۲۳ تا ۲۰۸۱ پیش از میلاد. کتاب تاریخ بابل از لئوناردو کینک ترجمه‌ی رقیه بهزادی، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۸، ص ۱۵۳.

۲- فرگرد ششم وندیداد.

۳- اگر وندیداد را هم دوره‌ی آغازین شهرنشینی و کشاورزی در ایران بدانیم پیشینه‌ی آن به بیش از هزاره‌ی هفتم پیش از میلاد می‌رسد. براساس گزارش‌های به‌دست آمده‌ی باستان‌شناسی تاریخ ساخت خانه و آغاز کشاورزی در ایران پیش از نه هزار سال قدمت دارد.

کاهلی و بلا تکلیفی و بی مسئولیتی در جامعه‌ی ایرانی بسیار نکو هیده و زشت به شمار می‌آمد. در اوستا از سروده‌های اشو زرتشت [گاتها] گرفته تا وندیداد بارها به این مهم اشاره رفته است. جایگاه خانواده و انسان در فرهنگ ایرانی بسیار بالا و با ارزش بوده است. در واقع بن‌مایه ساختار اجتماع ایرانی خانواده‌ها هستند که البته این تنها ویژگی جامعه ایران نبوده بلکه همه‌ی سرزمین‌ها و اقوام شکل‌گیری جوامع‌شان از خانواده آغاز می‌شود، اما اشاره و تاکید بر انسانیت و خانواده در گزارش‌های کهن ایرانی به ویژه اوستا بسیار در خور توجه است. بر این پایه در وندیداد زاده شدن و به وجود آمدن هر انسانی نیز بسیار ارزشمند و مهم بوده است. حتی اگر فرزندی از راه نامشروع و غیر قانونی و به دور از آیین همسرگزینی به وجود می‌آمد و زاده می‌شد همان جایگاه را داشته و هیچ‌گاه این گونه فرزندان به نام و نشان زشت خوانده و نامیده نمی‌شدند. از اینرو برای دختر [مادری] که ناخواسته و از راه غیر آیینی [نامشروع] دارای فرزند می‌شد قوانینی سخت وجود داشت تا آن فرزند ناخواسته را تا هنگام زایمان به درستی نگه دارد و اجازه سقط و از بین بردن آن را نداشت همچنین مسئولیت نگهداری آن بر عهده پدر نامشروع و غیر قانونی فرزند زاده شده و یا پدر و مادر دختر دارای آن فرزند بود. [نگاه کنید به فرگرد پانزدهم] این قوانین احترام‌آمیز به زاده شدن یک نوزاد انسان بسیار پیشرفته و کامل بوده است به گونه‌ای که حتی در این دوران پس از هزاران سال کشورهایی انگشت‌شمار به آن توجه کرده و به اجرا در می‌آورند.

خلاف این که بسیاری از پژوهشگران و اوستاشناسان وندیداد را جزو اوستا و آیین زرتشت می‌دانند، بایستی گفت که وندیداد نه جزو آیین و دین زرتشت است و نه سروده‌ی او؛ بلکه دستورات و فرامین قانون مدنی دوران کهن ایران است که در دوران پیش‌تر با نام زرتشت و دین زرتشت

ارزش دینی یافت و هم‌چنین به خط اوستایی نگاشته شده، اما در آن نماز و نیایش و آیین ستایشی مانند گاتها و یسنا و خرده اوستا نوشته نشده است و گاهی فقط یکی از نمازها به بندهای پایانی فرگردها افزوده شده است.

وندیداد بیش‌تر از جنبه‌ی تاریخی و ادبیاتی مورد توجه است تا جنبه‌ی دینی و آیینی. امروزه هیچ یک از زرتشتیان و یا ایرانیان چه در ایران و چه در بیرون از ایران قوانین وندیداد را اجرا نمی‌کنند چراکه قانون و فرامین شهرنشینی و دادگری در هر دوره‌ی براساس زمان و مکان و جغرافیا تغییرپذیر است و هیچگاه ثابت نمی‌ماند. پس از دو روی ما می‌توانیم به وندیداد و ارزش‌های آن بپردازیم. یکی کهن بودن این سروده‌ها و قوانین که جایگاه فرهنگی و تمدن و دانش ایرانیان را در دوران باستان بازگو می‌کند و دوم این که وندیداد به دبیره‌ی زبان اوستایی نگاشته شده است و دارای ارزش ادبیاتی بسیار بالایی است. وندیداد تنها نسک اوستایی دوره‌ی ساسانی است که به طور کامل به دست ما رسیده است و در مجموعه اوستا نوزدهمین نسک بوده است.^۱

البته جای بسی پرسش و تعجب دارد که چرا از اوستای کهن به ویژه اوستای دوره‌ی ساسانی تنها وندیداد است که به‌طور کامل مانده و نگه‌داری شده است و این اتفاق برای دیگر بخش‌های اوستا نیافتاده! یکی از دلایل ماندگاری کامل این بخش از اوستا این است که این بخش مربوط به احکام و قوانین بوده و پیشوایان دینی که از آن بهره می‌جستند در نگه‌داری آن کوشش بسیار کرده‌اند. وندیداد دارای بیست و دو فرگرد [بخش] است که هر فرگرد دارای چندین بند. کوتاه‌ترین آن فرگرد هفده است و دارای یازده بند. بلندترین آن فرگرد هشتم است و دارای یک‌صد و هفت بند. متن و گزارش وندیداد شامل قوانین و آداب پاکیزگی و

۱- اوستا کتاب مقدس پارسیان، فردریش گلدنر، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۱، تهران.